

بازشناسی تصویر زن در جنگ با نگاهی مقایسه‌ای به دو کتاب «حوض خون» و «جنگ چهره زنانه ندارد»

چهره زنانه جنگ

معمومه فاطمی
پژوهشگر

جنگ را همواره از ابعاد مختلف بررسی می‌کنند اما روایت زنانه جنگ به عنوان فاعل فعال در جنگ کمتر مورد توجه بوده است، در سال‌های نزدیک به دوران جنگ اغلب روایت‌هایی که از زنان منتشر می‌شد به عنوان همسران و مادران شهدا و جانبازان بود، در این آثار هر چند صبوری‌ها و همراهی‌ها و ارزشمندی شخصیت زن در پشتیبانی همسران دیده می‌شود اما شخصیت محوری کتاب، مردانی هستند که زندگی آنها روایت می‌شود. «کتاب دا» شاید تحولی در تاریخ نویسی حضور زنان در دفاع مقدس و پشتیبانی از جنگ باشد. این کتاب، بیش از ۱۵۰ بار به چاپ رسیده است و صدها هزار نسخه چاپی و دیجیتالی آن منتشر شده است.

پس از این کتاب، کتاب‌های متعددی با شخصیت‌های محوری زنانه به چاپ رسیده است که «حوض خون» نوشته فاطمه سادات میرعالی اثری قابل توجه در این موضوع است که اخیراً منتشر شده است. در آثار جهانی، کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» که توسط سوتلانا الکساندرونا الکسیویچ نوشته شده است، اثری در موضوع حضور زنان شوروی، در جنگ جهانی است که همچون کتاب «حوض خون» حاصل مصاحبه با زنان متعدد حاضر در جنگ و پشتیبانی از جنگ است که مناسب است از وجوه مختلف این دو کتاب را مقایسه کرد.

سرخلبان، شناسایی، پدافند ضد هوایی، پارتریزان، فرمانده مسلسل‌چی، مین روب، نیروی دریایی و... شرکت داشتند. سوتلانا الکسیویچ معتقد است روایت زنان رختشویی و آشپز و... روایت صادقانه جنگ است چون کلماتشان را از درون شان بیرون می‌کشند و تحت تأثیر فرآوری زمان و دانش دیگری، قرار نگرفته‌اند.

■ زنان از جنگ نمی‌گویند؟

عمده‌ترین پاسخ زنان روسی نفرت از جنگ است. زن خلبان می‌گوید: «نمی‌توانم این چیزا رو براتون تعریف کنم. تاونش رو ندارم. برای اینکه تشریف‌شون کنم باید به بار دیگه توی این لحظات زندگی کنم.» او مثل سایر زنان؛ دوری از هویت زنانه، دوری از هویت انسانی، خشونت و خاطرات تلخ جنگ را عمده‌ترین دلیل برای عدم تمایل به یادآوری جنگ معرفی می‌کند.

در واقع جایی که انسان‌ها بیهوده کشته می‌شوند و بیهوده می‌کشند و از آنچه بر آنها گذشته است، احساس بیهودگی می‌کنند اهمیت یادآوری خاطرات و پرداختن به جنگ رنگ می‌بازد. الکسیویچ می‌گوید: «دخترم همین چند وقت پیش از من پرسید جنگ چیه؟... چگونه جنگ را برای این بچه توضیح بدهم؟ مرگ را وصف کنم؟ به این سؤال جواب بدهم؛ چرا در آنجا آدم می‌کشند؟ چرا یکی از پدر بزرگ‌های من را کشتند؟ همچنین چرا ۱۱ نفر از بستگان نزدیک ما را کشتند؟... من نمی‌توانم آن را برای فرزندم بازگو کنم حتی نمی‌توانم کلمه‌ای پیدا کنم. به هیچ وجه نمی‌خواهد درک کند این انسان‌ها کجا رفته‌اند مخصوصاً مرگ دو دختر بچه تعجبش را برمی‌انگیزد سؤالی به وجود می‌آید چرا آنها؟ آنها کوچک بوده‌اند، آنها تیراندازی نکردند...»

■ هویت زنان:

در کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» در کنار وطن پرستی، وجوه انسانی و هویت زنانه دچار چالش شده است. نویسنده کتاب به دلیل بازگویی وجوه غیرانسانی جنگ، مورد بازخواست قرار می‌گیرد و مراکز نشر برای چاپ کتاب به او جواب منفی می‌دهند. نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید: «اثر من همه جا به دلیل مشابهی محکوم و رد می‌شود. جنگ در آن چهره بسیار وحشتناک دارد... از تئاترالیسمی پررنگ رنج می‌برد. نقش برجسته و هدایت‌کننده حزب کمونیست در آن دیده نمی‌شود... خلاصه اینکه جنگ مورد نظر نیست.»

در کتاب «حوض خون»، خشونت و سفاکی دشمن در سراسر کتاب دیده می‌شود و نویسنده، زنانی را نشان می‌دهد که برای حفظ ارزش‌های انسانی در کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» به نگاه‌های ارزشی توصیف می‌کند که حتی حاضر است به دلیل این معنویت شبانه روز بیدار باشد و سختی‌ها و آسیب‌های رختشویی مداوم را تحمل کند. زنان ایرانی عمدتاً فعالیت خود را در جنگ کار مهمی تلقی نمی‌کنند و در قبال کوشش‌ها و تلاش‌های رزمندگان و سایر زنان فعال در دفاع مقدس، تواضع کرده و کوشش می‌کنند زنان دیگری را معرفی کنند تا از آنها مصاحبه کرده شود و خاطرات آنها بیان شود. برخی از افراد خاطرات اندکی از آن روزها را به یاد دارند و برخی همچون زنان شوروی با یادآوری خاطرات دچار فشارهای روحی می‌شوند. تماشای خون، پوست و اجزای بدن در پتوها و لباس‌ها گاه آنها را مدت‌ها از دیدن و خوردن گوشت محروم می‌کرد.

همچنین بیماری‌های قلبی و عوارض پیری موجب می‌شود برخی زنان تمایلی به پرداختن به خاطرات جنگ نداشته باشند.

■ برای چه جنگیدیم؟

زنان براساس آرمان‌هایی که داشته‌اند با میل و رغبت وارد جنگ شده‌اند تا به تناسب نقشی که برای آنها تعریف شده

است به دفاع از وطن و سرزمین خود بپردازند. زنان ایرانی ارزش‌های دینی را مقدم بر سایر ارزش‌ها می‌دانند و در دفاع مقدس برای ارزش‌های امام و انقلاب و سرزمینی که این ارزش‌ها در آن جان گرفته است کوشش می‌کرده‌اند. پشیمانی برای دفاع در نگاه این زنان وجود ندارد و برخی از آنها تمایل دارند با همه ناتوانی که اکنون، به سبب پیری و بیماری دارند در عرصه‌های مختلف جهاد، کوشش کنند.

اما زنان روسی برای دفاع از وطن به عنوان محوری‌ترین ارزش‌کننده‌اند، وطنی که سال‌ها بعد، پس از فروپاشی شوروی به کشورهای متعددی تقسیم شده است و رومیان زن از کشورهای مختلف مثل روسیه، اوکراین، بلاروس، تاجیکستان و... روایتی از وطن گذشته خود می‌گویند. افول ارزش‌های انسانی در جنگ شوروی و پشیمانی برخی زنان را در عباراتی مثل «من دین خودم را به وطنم ادا کردم اما واقعاً ناراحت‌ام از اینکه اونجا بودم» می‌توان دید.

میهن دوستی، توانمندی جسمی، توانمندی‌های تخصصی، فنی و پزشکی عوامل زمینه‌ساز برای حضور زنان در جنگ جهانی بود برخی از آنها، نقش تبلیغات و سرودهای حماسی را در ایجاد انگیزه بسیار مؤثر می‌دانستند.

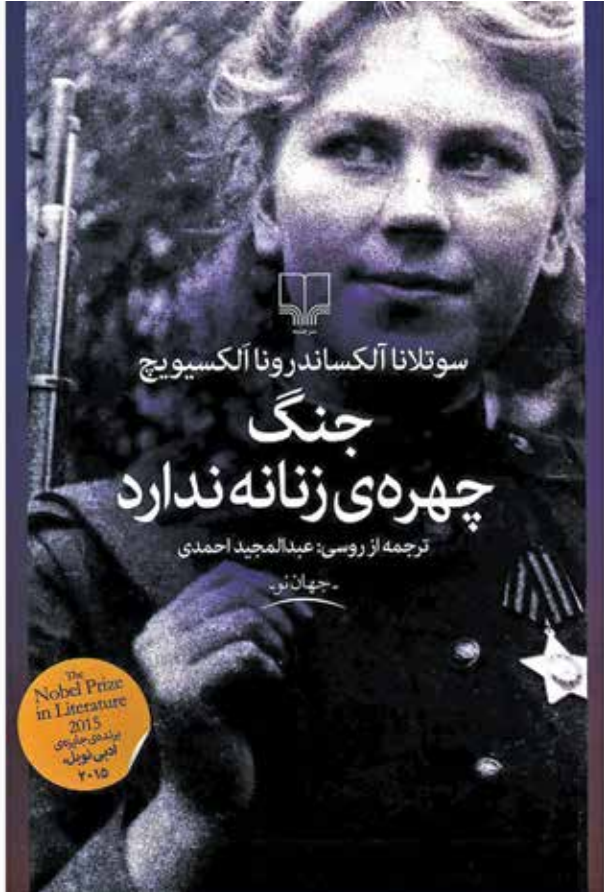
قیام کرده‌اند و به سوگ انسان‌هایی نشستند که در این راه فدا شده‌اند، در حالی که با خرده روایت‌ها، خشونت جنگ را می‌رساند اما قیام زنان را برای آرمان‌ها و ارزش‌ها نشان می‌دهد. در این روایت‌ها زنان بیزار از جنگ هستند و در جریان یک زندگی عادی می‌پذیرند آنچه در توان دارند انجام دهند و با حوض‌های شست و شویی روبه‌رو شوند که پتو و لباس‌ها آمیخته با خون و تکه‌های بدن شهدا است.

وجه مشترک زنان ایرانی و شوروی، روح لطیف زنانه بود که دیدن انسان‌های زخمی و کشته شده را بر نمی‌تابید، دیدن انسان‌های قطعه قطعه شده و بوی بدن‌های سوخته شده، زنان را از تماشاها گوشت در قصابی، دیدن پارچه‌های سرخ‌رنگ و هر وسیله سرخ‌رنگ و حتی خوردن گوشت، متنفر می‌کرد. اما با این شرایط در جنگ و پشتیبانی جنگ شرکت کردند. گریه‌های بسیار، خواب‌های آشفته، بیزاری از خون و گوشت، تهوع‌ها و سردردها علائمی اولیه از دیدن صحنه کشتن انسان‌ها و لباس‌های خون آلود در این زنان است.

در جنگ ممکن است، زنان با مسائلی روبه‌رو شوند که هویت زنانه آنان را با چالش مواجه کند. اما اینکه تعریف هویت چیست به مقتضای میبانی فکر، متفاوت است. در فرهنگ ایرانی و اسلامی، هویت زنانه تعریف مشخصی دارد که بر پایه ویژگی‌های اصیل و طبیعی زن است اما هویت زنانه در نظریات شرقی و غربی مطابق با جریان‌ها و اقتضانات، سیال است به همین دلیل، تعریف‌های متعددی از او بایدها و نباید‌های یک زن وجود دارد و گاه با تعریفی مواجه می‌شویم که زن و مرد با شاخصه‌های یکسانی معرفی می‌شوند و زنان برای آنکه ارزشمندی خود را به نمایش بگذارند به رقابت با مردان می‌گیرند که این موضوع موجب پوچی در افراد شده است. زن خلبان شوروی می‌گوید: «دوست ندارم خاطرات رو دوباره زنده کنم. من سه سال جنگیدم... سه سال خودم روزن حس نکردم. انگار بدتم مرده بود. در این مدت... هیچ به آنها، دارو، مهمات و اسلحه متصل می‌کردند تا بتوانند از ایست بازرسی عبور

کنند. شاید از نقاط اسفناک این کتاب، خاطره‌ای مربوط به یک زن بیسیم‌چی باشد که این‌گونه روایت شده است: «بیسیم‌چی زن با ما بود و اخیراً زایمان کرده بود که کودکش گرسنه بود. شیر می‌خواست. اما مادر خودش هم گرسنه بود، شیر نبود و نوزاد گریه می‌کرد. دشمن نزدیک بود... هیچ‌کس جرأت نکرد دستور فرمانده رو منتقل کنه، اما مادر خودش قضیه را حدس زد. قنداقی نوزاد رو در آب فرو برد و مدت زیادی همونجا ننگ داشت... نوزاد دیگه گریه نمی‌کرد...»

روایت‌های متعددی از خشونت و کشتن انسان‌ها توسط زنان جنگجو، بیان می‌شود. لذت بردن از آزار اسیر، احساس خوشیختی از خرد کردن استخوان جمجمه اجساد زیر ماشین، رفتارهای خشن با اسرا، آسان کشتن انسان‌ها و حیوانات بخشی از این خاطرات است. وقتی زنی می‌پذیرد که به عنوان نیروی نظامی به جنگ برود، بدیهی است که کشتن را بپذیرد، اما برخی از این کشتارها وقیحانه‌تر است مثل کشتن اسیری با دستان بسته، که زنان نظامی، او را به گونه‌ای فریب می‌دهند و از پشت می‌کشند. الکسیویچ می‌گوید: «آرامش او هنگام تعریف کردن چنین ماجرائی زنانه به واسطه فرزندان کوچکی که دارند مدتی زنان هم به کشتن عادت می‌کنند و به دلیل چنین اقداماتی مدال‌های متعددی می‌گیرند و موقعی که به بطن جامعه برمی‌گردند خانواده و جامعه نمی‌توانند آنها را باور کنند. زنان هم سعی می‌کنند گذشته خود را فراموش کنند و از افتخارات گذشته خود بگویند. مثلاً زن تک تیراندازی که ۷۵ نفر را با تفنگ خود کشته بود و ۱۱ نشان نظامی گرفته بود و قهرمان جنگی محسوب می‌شد، حاضر نبود گذشته را به خاطر بیاورد و حتی تحمل دیدن فیلم جنگی را هم نداشت. عباراتی مثل «با روحم کاری نداشته باشید مثل بقیه فقط از نشان‌ها و مدال‌هایم بنویسید»، «اما دو تا زندگی داشتیم یکی مردانه و دیگری هم زنانه...»، «قهرمانی ما عقیمه نه فیزیولوژی رو به رسمیت میشناسه نه بیولوژی.» این نشان‌دهنده عدم تطبیق این هویت برساخته با فیزیک یک زن است که موجب می‌شود زنان از ازدواج و فرزندآوری گریزان باشند و حتی سقط جنین کنند. مثلاً زن مسلسل‌چی می‌گفت: «بعد از جنگ مدت‌ها می‌ترسیدم بچه‌دار شوم... وقتی بعد از هفت سال بچه‌دار شدم، تازه آرام می‌شدم» البته تعدادی هم بودند که در این شرایط سخت فرزند می‌آوردند و با فرزند چند ماهه مأموریت انجام می‌دادند و باند استریل و سرم را در لباس‌ها و قنداق نوزاد پنهان و منتقل می‌کردند. یکی از مادرها که اعتراف این روایت برای او سخت است، می‌گوید کودکش را با نمک ماساژ می‌دهد است تا بدن کودک سرخ و پر از جوش شود و بچه از شدت این نمک اندود شدن گریه می‌کرد و زمانی که به ایست بازرسی می‌رسید، مأمور با تصور اینکه کودک مریضی سختی دارد آنها را



بازرسی نمی‌کرد و با این کار وسایل را از ایست بازرسی منتقل می‌کرد. او می‌گوید: «وقتی از بازرسی رد می‌شدم... تمام صورتم از گریه خیس بود، داد می‌زدم و ناله می‌کردم چون دلم برای بچه می‌سوخت.»

فاصله گرفتن زنان از روحیات زنانه، موجب می‌شد برخی از مردان رغبتی برای ازدواج با زنان حاضر در جنگ نداشته باشند و این زنان شرایط سختی را پس از جنگ تحمل کنند.

در مقابل الگوی هویتی زنان شوروی، زنان اندیمشکی قرار دارند که در کتاب حوض خون، زندگی آنها روایت شده است. آنها سعی می‌کنند با حضور در شهر و خانه‌هایشان، شهر را حفظ کرده و همسران و پسرانشان را تشجیع به جنگ کنند. حضور آنها در شهر، موجب می‌شود زندگی جریان داشته باشد و شهر اندیمشک تبدیل به پایگاه پشتیبانی از جنگ شود. صدام بارها کوشش می‌کند با نابودی خانه‌ها و بناها و کشتن زنان و کودکان بی‌پناه مقاومت شهر را بشکند اما به نتیجه‌ای نمی‌رسد. زنان اندیمشکی به مقتضای شرایطی که دارند یا در خانه یا در مراکز مثل رختشویخانه، پایگاه مساجد و... فعالیت می‌کنند. برخی از زنان به واسطه فرزندان کوچکی که دارند در خانه پتو و ملحفه می‌شویند و سایرین در رختشویخانه حاضر می‌شوند، حتی دختران زیر ۱۰ سال هم به رختشویی علاقه‌مند می‌شوند و در کنار زنان صبور، بسوز و فعال اجتماعی به رشد فکری و بلوغ اجتماعی و سیاسی می‌رسند.

در خانواده‌ها همیاری برای نگر داشتن کودکان وجود دارد و اعضای خانواده، ساعاتی کودکان را نگهداری می‌کنند تا خانم‌ها به امور رختشویی برسند. زنان سعی می‌کنند در همه نقش‌ها عملکرد مطلوبی داشته باشند.

رفتارهای عقیقانه و محجوبانه و توجه به عدم اختلاط با مردان در سبک زیست این زنان نمود دارد به طور مثال، زنان به جهت اینکه در خاچه بیمارستان رختشویی می‌کنند و مکانی پوشیده ندارند یا جادر به امور رختشویی می‌پردازند و پس از مدتی درخواست می‌دهند مکانی پوشیده برای رختشویی قرار دهند تا برای حجاب مشکلی نداشته باشند.

اقدامات داوطلبانه زنان اندیمشکی، نمونه‌ای از الگوی کنش زن اسلامی -ایرانی را نمایش می‌دهد که برای زنان ایرانی و حتی زنان خارج نشین هم جذاب است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در این کتاب مطالعه کرد.

در پایان از اندیشه‌ورزان دعوت می‌کنیم به نگاهی عمیق و دقیق به مقایسه الگوی حضور زن ایرانی و زن غربی و شرقی در جنگ‌ها بپردازند، زیرا توجه حضور زنان در جنگ‌ها و آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت حضور آنان در جنگ می‌تواند نشان دهد که زنان لازم است از چه الگوی هویتی پیروی کنند و آیا شده با طبیعت و اقتضانات زنان تناسب دارد یا ندارد؟

آنچه در گویمه ذکر شده نقل مستقیم از کتاب‌هایی است که بیان شده است.



در تقریظ کتاب «حوض خون»، رهبر انقلاب، این کتاب را «بخش ناشناخته و ناگفته‌ای از ماجرای عظیم دفاع مقدس» معرفی می‌کند و اقدامات این زنان را تقدیر ارزشمند می‌داند که با عبارت ذیل توصیف می‌کند «اولین احساس پس از خواندن بخش‌هایی از این کتاب، احساس شرم از بی‌عملی در مقایسه با مجاهدات خاوش، بی‌ریا و گمنام بود.»